\_ ١٥ای منجذبه محبت الله مکتوبی که هنگام رفتن مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید از مضمون مسرور شدم و امیدوارم که دیده بصیرت چنان باز گردد که حقائق اسرار ملکوت واضح و آشکار شود در بدایت مکتوب کلمه مبارکی مرقوم و آن اینست من مسیحی هستم ای کاش جمیع عالم مسیحی حقیقی بود زیرا مسیحی لفظی بودن آسان ولی مسیحی حقیقی بودن مشکل امروز تقریبا پانصد ملیون نفوس مسیحی هستند اما مسیحی حقیقی نادر و آن نفسی است که انوار مسیح از جمال او باهر و بکمالات ملکوتی ظاهر این امریست عظیم و جامع جمیع فضائل امیدوارم که تو نیز مسیحی حقیقی گردی حمد کن خدا را که عاقبت بواسطه تعالیم الهیه نورانیت و بصیرت عظمی حاصل گردید و در ایمان و ایقان ثابت و پایدار شدی امیدوارم که دیگران نیز چشمی روشن و گوشی شنوا یابند و بحیات ابدیه فائز گردند تا این نهرها که در مجاری متعدده مختلفة الشکل جاری راجع بمحیط اعظم شوند یک بحر گردند و یکموج زنند و ارتباط و اتحاد تام حاصل نمایند تا وحدت حقیقت بقوه الهیه این اختلاف مجاز را از میان بردارد و اساس اصلی اینست اگر این حاصل گردد مسائل سائره بالطبیعه زائل شود ای محترمه تعالیم الهیه در این دور نورانی چنین است که نباید نفوس را توهین نمود و بجهالت نسبت داد که تو ندانی و من دانم بلکه باید بجمیع نفوس بنظر احترام نظر کرد و در بیان و دلالت بطرز تحری حقیقت مکالمه نمود که بیائید مسائلی چند در میانست تا تحری حقیقت نمائیم و ببینیم چگونه و چسانست مبلغ نیاید خویش را دانا و دیگرانرا نادان شمرد این فکر سبب تکبر گردد و تکبر سبب عدم تأثر بلکه باید امتیازی در خود نبیند و با دیگران بنهایت مهربانی و خضوع و خشوع صحبت بدارد این نوع بیان تأثیر کند و سبب تربیت نفوس شود ای محترمه جمیع انبیا بر این مبعوث شدند و حضرت مسیح بجهت این ظاهر گشتند و جمال مبارک نیز ندای الهی باین مقصد بلند فرمودند تا عالم انسانی جهان آسمانی گردد ناسوتی لاهوتی شود ظلمانی نورانی گردد شیطانی رحمانی شود و اتحاد و الفت و محبت در بین عموم اهل عالم حاصل گردد و وحدت اصلیه رخ بگشاید و بنیان اختلاف برافتد و حیات ابدی و موهبت سرمدی حاصل گردد ای محترمه در عالم وجود نظر کن اجتماع و الفت و اتحاد سبب حیاتست و تفریق و اختلاف سبب ممات چون در جمیع کائنات نظر نمائی ملاحظه کنی که هر کائنی از کائنات از اجتماع و امتزاج عناصری متعدده تحقق یافته و چون این اجتماع عناصر تفریق شود و ائتلاف باختلاف منقلب گردد آن کائن موجود محو و نابود شود ای محترمه در دورهای سابق هر چند ائتلاف حاصل گشت ولی بکلی ائتلاف من علی الأرض غیر قابل بود زیرا وسائل و وسائط اتحاد مفقود و در میان قطعات خمسه عالم ارتباط و اتصال معدوم بلکه دربین امم یک قطعه نیز اجتماع و تبادل افکار معسور لهذا اجتماع جمیع طوائف عالم دریک نقطه اتحاد و اتصال و تبادل افکار ممتنع و محال اما حال وسائل اتصال بسیار و فی الحقیقه قطعات خمسه عالم حکم یکقطعه یافته و از برای هر فردی از افراد سیاحت در جمیع بلاد و اختلاط و تبادل افکار با جمیع عباد در نهایت سهولت میسر بقسمیکه هر نفسی بواسطه نشریات مقتدر بر اطلاع احوال و ادیان و افکار جمیع ملل و همچنین جمیع قطعات عالم یعنی ملل و دول و مدن و قری محتاج یکدیگر و از برای هیچیک استغنای از دیگری نه زیرا روابط سیاسیه بین کل موجود و ارتباط تجارت و صناعت و زراعت و معارف در نهایت محکمی مشهود لهذا اتفاق کل و اتحاد عموم ممکن الحصول و این اسباب از معجزات این عصر مجید و قرن عظیم است و قرون ماضیه از آن محروم زیرا این قرن انوار عالمی دیگر و قوتی دیگر و نورانیتی دیگر دارد اینست که ملاحظه مینمائی در هر روزی معجزهء جدیدی مینماید و عاقبت در انجمن عالم شمعهای روشنی بر افروزد و مانند بارقه صبح این نورانیت عظیمه آثارش از افق عالم نمودارگشته شمع اول وحدت سیاسیست و جزئی اثری از آن ظاهر گردیده و شمع دوم وحدت آراء در امور عظیمه است آن نیز عنقریب اثرش ظاهر گردد و شمع سوم وحدت آزادیست آن نیز قطعیا حاصل گردد و شمع چهارم وحدت دینیست این اصل اساس است و شاهد این وحدت در انجمن عالم بقوت الهیه جلوه نماید و شمع پنجم وحدت وطن است در این قرن این اتحاد و یگانگی نیز بنهایت قوت ظاهر شود جمیع ملل عالم عاقبت خود را اهل وطن واحد شمارند و شمع ششم وحدت جنس است جمیع من علی الأرض مانند جنس واحد شوند و شمع هفتم وحدت لسانست یعنی لسانی ایجاد گردد که که عموم خلق تحصیل آن نمایند و با یکدیگر مکالمه کنند این امور که ذکر شد جمیعا قطعی الحصولست زیرا قوتی ملکوتیه مؤید آن